

تجدید و یا تمدید دفاعی است که در مرحله بدوی بعمل آمده و اجبار پژوهش خواه بداد تأمین در واقع جلوگیری است از دادخواهی او در درجه دوم دادرسی یعنی از حقوق طبیعی خود که عبارت از حق تعقیب دعوی است در تمام مراحل قانونی.

همین حکم نیز جاری است در موردیکه شخص تابع دولت خارجی بر حکم غیابی اعتراض نماید ولی هر گاه شخص مذکور در دادگاه نخستین سمت خواهان داشته و حکم بر نفع او صدور یافته پژوهش خواه که دارای تابعیت ایرانی است در مرحله مزبوره می تواند از او تأمین بخواهد و همین ترتیب در مورد اعاده دادرسی و دادخواهی فرجامی نیز لازم الرعایه می باشد و بنابراین خواننده از اتباع ایران در موقع اعاده دادرسی و رسیدگی فرجامی میتواند از طرف خود که از اتباع خارجه میباشد تأمین بخواهد بشرطیکه شخص اخیر الذکر در دادگاه نخستین سمت مدعی داشته باشد. راجع پیرش های سوم و چهارم در یکی از مقالات دیگر گفتگو خواهد شد.

وحدت

عبارت اتباع خارجه در ماده ۲۱۸ فوق الذکر باشخاص معنوی نیز شامل است و بنابراین شرکتهای خارجی نیز در صورتیکه بطرفیت اتباع ایران اقامه دعوی نمایند در حکم افراد خارجی میباشند.

اتباع خارجه که بعنوان شخص ثالث وارد دعوی می شوند.

بدیهی است که ورود بدعوی باید اختیاری باشد و بنابراین از مجلوب ثالث در صورتیکه از اتباع خارجه باشد نمیتوان درخواست تأمین نمود. ورود بدعوی در یکی از دو صورت زیر اختیاری محسوب است:

۱- هر گاه شخص اختیاراً وارد دعوی شده و بخواهان اصلی ملحق شود.

۲- هر گاه مقصود از ورود بدعوی مستقلاً اظهار حق باشد نسبت بمالیکه بین متداعیین موضوع دعوی میباشد بدون قصد حقوق یکی از متداعیین.

غالب مؤلفین بر آنند در صورتیکه مدعی علیه از اتباع خارجه بوده و در مرحله بدوی محکوم شده و پژوهش خواسته باشد پژوهش خواننده نمی تواند از او درخواست تأمین نماید زیرا دعوی پژوهش در واقع

## شرایط تشکیل عقد نکاح

مقایسه بین حقوق ایران و فرانسه و فقه اسلامی

اشتباه یا تدلیس و یا ضرر - پس میتوان گفت که نسخ در حقوق ایران شبیه به «بطلان نسبی» است در حقوق فرانسه ولی این شباهت کامل نیست یعنی از نظر شرایط و موارد استعمال بین آن دو اختلافات زیادی موجود است

II - «اشتباه یا تدلیس» در حقوق ایران

قانون مدنی ایران در باب عقود از خیارات فسخ گفتگو میکند (مواد ۳۹۶ - ۴۵۷ قانون مدنی ایران) فسخ عبارت از ابطال عقداست (بدون اثر قهرائی) بعلمت

این چون نکاح معامله نیست حکم مندرج در مواد نامبرده در مورد ازدواج مرعی نمیتواند شد.

۲ - دلایل راجع باینکه «اشتباه باتدلیس»

موجب فسخ عقد نکاح است

محقق میگوید که بعقیده بعضی از فقهاء اگر مردی زوجه خود را نسبت باصالت خانوادگی خویش فریب دهد زن حق فسخ خواهد داشت - فقهاء اجماعاً فسخ عقد نکاح را در صورت اشتباه نسبت به بندگی و آزادی زن جایز دانسته اند - بعقیده قمی در مواردی که در اثر تدلیس زنی عیوب خود را بیوشاند تدارک خسارات وارده بر شوهر بعهدۀ زن خود بوده و اگر مهر را پرداخته باشد استرداد آن مانعی نخواهد داشت.

بنا بر مراتب بالا چون قانون مدنی نسبت به تدلیس در نکاح ساکت است و باید در اینخصوص رجوع بقواعدی نمود که در فقه معمول میباشد پس احکام بالا در حقوق مدنی ایران نیز لازم الرعایه خود بود - گذشته از این رویه فقهاء اسلامی بر این بوده است که هر وقت دستور شرعی برای یکی از مسائل مربوطه بعقد نکاح وجود نداشت باحکامی که در باب بیع آمده بود استناد میشد بعقیده قزوینی آرایش زن برای جلب توجه همسر آینده خود جایز نیست - این امر میرساند که در شرع اسلام تدلیس در عقد نکاح پسندیده نیست.

از طرف دیگر سکوت قانون مدنی ایران راجع بتدلیس در عقد نکاح دلیل بر این نیست که مقنن ایران اهمیتی به فریب در ازدواج نمیدهد زیرا میدانیم که قانون ۲۳ مرداد ۱۳۱۰ فریب زن را بوسیله شوهر جنحه تلقی کرده و مجازات نموده است - طبق این قانون تدلیس هر نوع فریبی را گویند که بدون آن ازدواج منعقد نمیشد - البته مشکل است باور کرد قانونی که تا این حد با تدلیس در ازدواج مخالف است آنرا موجب فسخ عقد نکاح نداند.

در مورد عقد نکاح خیار فسخ تحت شرایط مخصوصی عمل میکند زیرا مقنن موارد فسخ عقد نکاح را محدود نموده و جز در حالات معینی از «اشتباه ساده» قائل بامکان فسخ عقد نکاح نمیشد.

سکوت قانون گذار در مورد فسخ نکاح بعلمت «اشتباه باتدلیس» ممکن است از دو نظر باشد یا برای اینکه «اشتباه باتدلیس» موجب فسخ نکاح نیست و یا برای اینکه در مورد فسخ عقد مزبور مقتضی است رجوع بباب عقود نموده و اخذ بخیار تدلیس را در بارۀ نکاح نیز جایز بدانیم.

اینک بذکر دلایلی که ممکن است له و علیه دو نظر بالا مورد استناد واقع شود میپردازیم.

۱ - دلایل راجع باینکه «اشتباه باتدلیس»

موجب فسخ عقد نکاح نیست

تدلیس را نمیتوان موجب فسخ نکاح دانست زیرا قانون گذار ایران راجع بفسخ نکاح در باب علیحده گفتگو و ابدأ اشاره به تدلیس نموده است.

گذشته از این اگر واقعاً قانونگذار میخواست اشتباه باتدلیس را موجب فسخ بداند همانطوریکه صریحاً از اکراه گفتگو نموده از تدلیس نیز صحبت می کرد - بنا بر این سکوت مقنن باید حمل بر این شود که در عقد نکاح «اشتباه با تدلیس» از موارد معلول بودن رضا بشمار نمیروند.

اگر بخواهیم برای اینکه تدلیس را موجب فسخ بدانیم باحکام مربوطه بعقود مراجعه کنیم با اشکال زیر مواجه می شویم: از تلفیق مواد ۴۳۸ و ۴۴۰ و ۴۵۶ قانون مدنی ایران چنین نتیجه میشود که هر معامله در صورت تدلیس قابل فسخ است - لفظ «معامله» شامل عقودی می شود که جنبۀ تجاری دارند و موضوع آنها شیئی یا حقوق غیر شخصیه می باشد و حال اینکه موضوع نکاح اساساً شخصی و از این حیث از سایر عقود ممتاز است - بنا بر

فسخ آن منظور کرده و حتی بطرفین اجازه داده موارد دیگری نیز پیش بینی نمایند مشکل است که تدلیس را موجب فسخ ندانیم و اگر رویه قضائی محاکم بر نظر فوق جاری شود تعجیبی نباید داشت - مع الوصف باید امیدوار بود که دادگاه‌ها برای حفظ ثبات روابط ناشوئی و تأمین دوام آن حتی المقدور موارد فسخ را عملاً محدود نمایند تا قانون گذار نیز روی همین رویه تصمیم مقتضی اتخاذ کند.

ولی معتقدیم که برای اصلاح این قسمت از قانون نباید از حقوق فرانسه سرمشق گرفت زیرا در آن موارد فسخ بی نهایت محدود است ولی قوانین تازه بعضی از کشورها که در واقع بین نظر حقوق ایران و نظر حقوق فرانسه وضع شده‌اند برای اصلاحات مربوطه به تدلیس در نکاح خیلی مناسب تر خواهد بود.

۱-۱ - «اشتباه با تدلیس» در حقوق آمریکا و آلمان و سوئیس (موکول بشماره آینده میگردد).

دکتر دادرند

اگر گفته شود که قانون مرداد ۱۳۱۰ جنبه جزائی دارد نه مدنی و کیفر مربوط به ضمانت اجرای دستورات مدنی نمیباشد جواب داده می شود که ماده ۷ قانون نامبرده تعقیب جزائی را موکول بشکایت مدعی خصوصی نموده که در صورت استرداد شکایت او تعقیب جزائی موقوف خواهد شد پس معلوم میشود که تدلیس در نکاح جنبه همگانی ندارد یا بعبارت بهتر جنبه خصوصی آن غالب است - حال که معلوم شد کیفر تدلیس فقط برای حفظ منافع همسر آینده میباشد پس فسخ نکاح که بهترین طریقه است برای رفع ضرر از احد متعاقدین جائز خواهد بود. دلیل دیگری که در تأیید همین نظر می توان اقامه کرد مربوط به طبیعت حقوقی ازدواج میباشد - سابقاً ثابت نمودیم که در حقوق ایران ازدواج از نظر شرایط تشکیل خود عقدی است مثل سایر عقود و امکان فسخ آن در صورت تدلیس با جنبه عقدی نکاح کاملاً موافقت دارد - در عقدی که قانونگذار موارد بیشماری برای

## اقامت مبنوع و اقامت اجباری

### در حقوق جزاء مقایسه

جرم شده و ممکن است بار دیگر دست بآتش بزه زده و رشته های انتظام عمومی و آرامش اجتماعی را بدان بسوزانند و سائلی بنام مجازاتهای تبعی تکمیلی و یا وسائل تأمینى اتخاذ شده است

از دیرزمانى متخصصین فن جزایی بدین معنی برده اند که يك پلتيك جزائی خوب نباید فقط متوجه تنبیه بزه های مرتکبه و یا مرتکبین آنها شود بلکه باید پیش بینی از وقوع جرائم جدید نیز مورد دقت واقع

قوانین جزائی کشور های متمدنه دنیا موضوع منع یکدسته از متهمین یا محکومین از اقامت در نقطه یا نقاط معین کشور و همچنین اقامت اجباری آنان در قسمت از آنها در تحت عناوین مختلفه پیش بینی کرده اند. برای جلوگیری از تکرار بزه و برای بستن راه خطا بعناصر خطرناك و بالاخره برای پیش بینی بد کاری بزه کارانیکه «بواسطه علل سیاسی و یا موجبات اجتماعی و اخلاقی موجود در مکان مخصوص» مرتکب